

واحدهای تولیدی بیش از یک سوم هر ماه در تعطیلات اجباری ناشی از قطع برق و گاز هستند

جبران قطعی برق و گاز تولیدکنندگان با معافیت مالیاتی

دولت‌ها با بایگانی قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار از خود سلب مسئولیت کرده و تولیدکنندگان را با خسارات ناشی از قطعی برق و گاز دست تنها گذاشته‌اند

خصوصی دانست و خاطر نشان کرد: «صنایع کشور توان تولید و اشتغال دارند، اما بدون حمایت واقعی و سیاست‌گذاری اصولی نمی‌توانند مسیر توسعه را طی کنند. اگر مشکلات امروز جدی گرفته نشود، فردا با بحران عمیق‌تری در اشتغال و معیشت روبه‌رو خواهیم شد.»

■ **واحدهای تولیدی نباید قربانی قطع خدمات باشند**

کارشناسان بر ضرورت توجه دولت به قانون بهبود محیط کسب و کار تأکید دارند. بر اساس ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار که ۱۴ سال از تصویب آن در مجلس می‌گذرد، در زمان کمبود برق، گاز یا خدمات مخابرات، واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات قرار داشته باشند و شرکت‌های عرضه‌کننده برق، گاز و خدمات مخابرات موظفند هنگام عقد قرارداد با واحدهای تولیدی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی، وجه التزام قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات را در متن قرارداد پیش‌بینی کنند، هرگاه دولت به دلیل کمبودهای مقطعی به شرکت‌های عرضه‌کننده برق یا گاز یا مخابرات دستور دهد موقتاً جریان برق یا گاز یا خدمات مخابراتی واحدهای تولیدی متعلق به شرکت‌های خصوصی یا تعاونی را قطع کنند، موظف است نحوه جبران خسارت‌های وارده را به این شرکت‌ها ناشی از تصمیم فوق نیز تعیین و اعلام کند.

با توجه به کسری بودجه و محدودیت دولت‌ها در تأمین منابع مالی (دلیل عمده قطعی گاز و برق کمبود سرمایه‌گذاری بوده) به نظر می‌رسد دولت توان لازم برای جبران خسارت در این شرایط را نداشته باشد. توصیه کارشناسان، همراهی دولت با تولیدکنندگان در قالب معافیت‌های مالیاتی است، چراکه نمی‌توان واحدهای تولیدی را به صورت تحمیلی تعطیل و در مقابل تمام و کمال تعهدات آنها را مطالبه کرد.

در شرایط جنگی قوانین حمایتی ویژه برای صنایع اعمال می‌شود. به طور مثال بانک‌ها جریمه دیرکرد دریافت نمی‌کنند و فشار تأمین اجتماعی یا گمرک کاهش می‌یابد. امروز هم با بحرانی مواجه هستیم که می‌تواند سرمایه ملی و اشتغال هزاران نفر را به خطر بیندازد، اما حمایتی مشابه وجود ندارد.

وقتی صنعت کار نکند، زنجیره تأمین، مشتریان و بازار نیز از هم می‌پاشد. این به معنای تشدید رکود، کاهش صادرات، بیکاری گسترده و در نهایت بحران اقتصادی خواهد بود. امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیم فوری و نگاه حمایتی دولت به بخش تولید هستیم. جذب سرمایه‌گذاری برای تولید، مستلزم تأمین امنیت سرمایه‌گذاران است و در سالی که تحت عنوان سرمایه‌گذاری در تولید از سوی مقام معظم رهبری نامگذاری شده است انتظار می‌رود دولت اهتمام جدی‌تری به اجرای قانون بهبود محیط کسب و کار داشته باشد و قوه قضائیه نیز تولیدکنندگان را در مسیر تحقق مطالبات‌شان از دولت همراهی کند.



بهزاد عزیزپور | باشگاه خبرنگاران جوان

سهل آبادی با انتقاد از سیاست‌های دولت در حوزه انرژی افزود: «وزیر نیرو اعلام کرده است دیگر تأمین برق صنایع وظیفه دولت نیست. این رویکرد به معنای رها کردن بخش خصوصی در شرایط سخت است، در حالی که تولیدکنندگان تخصصی در تولید برق ندارند و انتظار دارند زیرساخت‌های لازم از سوی دولت تأمین شود.»

رئیس خانه صنعت و معدن با بیان اینکه حدود نیمی از کارخانه‌های کشور در حال حاضر از انرژی کافی محرومند، تأکید کرد: «مشکل اصلی، فرسودگی تجهیزات و نبود سرمایه‌گذاری در صنعت است. بسیاری از کارخانه‌ها هنوز با ماشین آلات دهه ۱۹۷۰ کار می‌کنند و طبیعی است با چنین وضعیتی راندمان پایین و مصرف انرژی بالا باشد.»

اواره‌حل برن‌فون از شرایط موجود را در کاهش تصدی‌گری دولت و میدان دادن به سرمایه‌گذاری

تعطیلی‌های ناخواسته از اخراج نیرو خودداری کرده‌اند، اما این وضعیت به شکل «بیکاری پنهان» نمایان شده است. او تصریح کرد: «وقتی کارگر در کارخانه‌ای مشغول کار می‌شود که نیمی از خطوط تولید آن خوابیده است، معنای واقعی‌اش چیزی جز رکود و زیان اقتصادی نیست.»

■ **رها کردن ۱۰۰هزار واحد صنعتی در شرایط سخت**

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران نیز با اشاره به چالش جدی کمبود انرژی در کشور گفت: «حدود ۱۰۰ هزار واحد صنعتی در حال حاضر به دلیل ناترازی برق و گاز با مشکل جدی مواجه هستند.»

عبدلوهاب سهل آبادی به تازگی در نشست خبری تأکید کرد: «قطع مکرر برق در تابستان و کمبود گاز در زمستان، چرخه تولید را مختل کرده است. این شرایط نه تنها بر بنگاه‌های تولیدی بلکه بر زندگی کارگران و بازار مصرف نیز فشار مستقیم وارد می‌کند.»

به گفته وی، هرچند بسیاری از واحدهای تولیدی با وجود

در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر اشاره کرد و گفت: «اگر قرار است تولیدکنندگان وارد عرصه تأمین انرژی شوند، دولت باید بستر مناسب را فراهم کند. در حال حاضر برای دریافت زمین یا مجوز احداث نیروگاه خورشیدی یا بادی، فرایندهای اداری بسیار طولانی است. سرمایه‌گذار علاوه

بر واحدهای صنعتی در حالی حدود ۱۰ تا ۱۴ روز تعطیل هستند که تعهدات آنها از پرداخت حقوق تا پرداخت بیمه و مالیات و پابر جاست و این رویه تولیدکنندگان را با چالش‌های اساسی روبه‌رو کرده است

سال ۱۳۹۰، زمانی که هشتدار کارشناسان درباره ناترازی انرژی به گوش نمایندگان مجلس رسید، بهارستان‌نشینان قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار را با هدف حمایت از تولید در برابر خسارت‌های ناشی از قطعی برق و گاز به تصویب رساندند، اما از آن سال تا به امروز دولت‌ها در اجرای این قانون کوتاهی کرده و تصمیم گرفتند آن را در آرشیبو سایر قوانین عمل نشده بایگانی کنند. طبق این قانون، دولت موظف به جبران خسارت ناشی از قطعی برق و گاز برای تولید است و شرکت‌های عرضه‌کننده برق و گاز موظفند ضمن هماهنگی با شرکت‌های بیمه امکان خرید بیمه نامه پوشش دهنده خسارات ناشی از قطع برق یا گاز را برای واحدهای تولیدی مشترک خود فراهم آورند، اما این خسارت‌ها نه تنها جبران نمی‌شود بلکه در این شرایط تولیدکنندگان مکلف به پرداخت تمامی تعهدات‌شان به دولت از جمله مالیات و... هستند.

■ ■ ■

بیش از ۱۰۰ هزار واحد صنعتی در حال حاضر به دلیل قطعی برق و گاز با مشکل جدی مواجه هستند. ناترازی انرژی باعث شده تا عملاتی از روزهای هفته، تولید تعطیل باشد. واحدهای صنعتی در حالی حدود ۱۰ تا ۱۴ روز تعطیل هستند که تعهدات آنها از پرداخت حقوق تا پرداخت بیمه و مالیات پابر جاست و این رویه، تولیدکنندگان را با چالش‌های اساسی روبه‌رو کرده است.

■ **اقت ۳۰ تا ۶۰درصدی تولید در شهرک‌های صنعتی**

آرمان خالقی، دبیر کل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران به تازگی با اشاره به ابعاد مشکل قطعی‌های مکرر برق در شهرک‌های صنعتی گفت: «در حال حاضر از ساعت ۵ عصر تا ۱۲ شب برق بخش بزرگی از واحدهای تولیدی قطع می‌شود. نتیجه آن است که عملاً واحدهایی که باید شش روز در هفته فعالیت داشته باشند، سه روز از چرخه تولید خارج شوند. حتی اگر بخواهند روز جمعه را جایگزین کنند، علاوه بر فشار کاری باید هزینه اضافه‌کار

و دستمزد پرداخت کنند.»

خالقی با بیان اینکه این وضعیت صنایع بزرگ نظیر فولاد، شیشه و سیمان را به‌طور مستقیم فلج کرده است، افزود: «برخی واحدهای فولادی به دلیل قطعی مکرر برق به‌طور کامل تعطیل شده‌اند، اما شرکت‌های توزیع همچنان هزینه‌های موسوم به حق ترانزیت برق را دریافت می‌کنند. این سیاست مانند آن است که مخابرات بدون ارائه سرویس، از مشترک ابوظمان دریافت کند. چنین رویکردی نه تنها ناعادلانه است بلکه به بی‌اعتمادی در بخش تولید دامن می‌زند.»

وی تأکید کرد: «توقف تولید تنها به معنای خاموشی خطوط تولید نیست بلکه پیامدهای سنگین‌تری از جمله از دست رفتن تعهدات قراردادی، مواجهه با جریمه‌های سنگین به دلیل تأخیر در تحویل کالا، تعطیلی اجباری کارگاه‌ها و بیکاری کارگران دارد.»

او در بخش دیگری از سخنان خود به موانع سرمایه‌گذاری

۲ گزارش

حسام کمالی

تأخیر مداوم در اعلام قیمت تضمینی کشاورزان را نگران کرده است

بدعهدی وزارت جهاد پایان ندارد!

با وجود الزام قانونی برای اعلام قیمت خرید تضمینی گندم تا پایان تیرماه این تصمیم تاکنون نهایی نشده است



حمایت به‌موقع از کشاورز داخلی است.

تأخیر در اعلام قیمت تضمینی محصولات کشاورزی به‌ویژه گندم، فراتر از یک مسئله صرفاً اداری یا حسابداری است و پیامدهای عمیقی در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی به‌دنبال دارد. نخستین و مهم‌ترین قربانیان این تأخیر، کشاورزان خرد هستند که با منابع مالی محدود، مجبورند برای تأمین هزینه‌های تولید، از وام‌های گران قیمت استفاده کنند. وقتی قیمت تضمینی با تأخیر و بدون تطابق با هزینه‌های واقعی تولید اعلام می‌شود، این کشاورزان با زیان مالی جدی مواجه می‌شوند و گاهی توان بازپرداخت بدهی‌های خود را از دست می‌دهند.

این بحران تنها به معیشت کشاورزان محدود نمی‌شود. کاهش انگیزه

بودجه‌ای اشاره می‌کنند. سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی بارها تأکید کرده‌اند افزایش قیمت خرید تضمینی به معنای بار مالی سنگین برای دولت است. به‌عنوان مثال، اگر نرخ خرید گندم به میزانی افزایش یابد که هزینه واقعی تولید و سود معقول کشاورز را پوشش دهد، منابع لازم برای خرید چند میلیون تن گندم باید از خزانه عمومی تأمین شود. در شرایطی که بودجه کشور با کسری مزمن مواجه است، این موضوع به چالشی جدی تبدیل می‌شود. با این حال، کارشناسان معتقدند تأخیر در اعلام قیمت، نه تنها مشکل بودجه را حل نمی‌کند، بلکه هزینه‌های بیشتری بر اقتصاد تحمیل می‌کند. واردات گندم با ارز خارجی، پرداخت یارانه برای تأمین نان و فشار تورمی ناشی از وابستگی غذایی، در نهایت بسیار پرهزینه‌تر از

موجب آن «شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات کشاورزی» به‌عنوان مرجع رسمی تعیین قیمت خرید تضمینی جایگزین شورای اقتصاد شد. این شورا متشکل از وزیر جهاد کشاورزی (به‌عنوان رئیس)، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر امور اقتصادی و دارایی و چهار نماینده از تشکل‌های کشاورزی به همراه دو کشاورز خبره است. به بیان دیگر، قانونگذار تلاش کرد کشاورزان را به فرایند تصمیم‌گیری نزدیک‌تر کند و تعیین قیمت را از حالت پشت درهای بسته بیرون آورد.

طبق این قانون، شورا موظف است نرخ خرید تضمینی محصولات کشاورزی را حداکثر تا پایان تیرماه هر سال تصویب و اعلام کند، اما در عمل از سال ۱۳۹۹ تاکنون هیچ‌گاه این موعده رعایت نشده است. تأخیرها از یک ماه آغاز می‌شود و گاهی به پنج یا شش ماه نیز می‌رسد. به‌عنوان نمونه در سال جاری جدول زمان‌بندی بررسی قیمت‌ها از سوی دبیرخانه شورا در اردیبهشت ماه به اعضا ارائه شد و قرار بود تا بیستم تیرماه، قیمت‌ها تصویب و اعلام شود، اما به دلیل تحولات سیاسی و شرایط خاص کشور، این روند متوقف شد و کشاورزان بار دیگر چشم‌انتظار ماندند.

برای کشاورز، قیمت تضمینی فقط یک عدد روی کاغذ نیست، این رقم چراغی است برای تصمیم‌گیری درباره زندگی. کشاورز پیش از شروع فصل کاشت باید بداند اگر بدر در زمین بریزد، آیا در پایان فصل، محصولش حتی هزینه کود، بذر و آب را جبران می‌کند یا نه. تأخیر در اعلام قیمت، به معنای بلاتکلیفی در تأمین نهاده‌هاست. کود، سم، بذر و آب ارزان نمی‌شوند، بلکه هر روز گران‌تر می‌شوند. کشاورزی که بدون اطلاع از نرخ تضمینی وارد فصل کاشت می‌شود، در واقع با ریسکی سنگین روبه‌روست و ممکن است محصولش را با قیمتی بفروشد که حتی هزینه تولید را هم پوشش ندهد. نتیجه چنین شرایطی کاهش انگیزه تولید و حتی روی آوردن برخی کشاورزان به کشت‌های دیگر یا فروش زمین‌های زراعی است. این اتفاق در درازمدت نه تنها تولید داخلی را کاهش می‌دهد، بلکه کشور را به واردات وابسته‌تر می‌کند.

مستولان دولتی نیز در دفاع از تأخیرها معمولاً به محدودیت‌های

خرید تضمینی محصولات کشاورزی به ویژه گندم مهم‌ترین ابزار سیاستگذاری دولت در حمایت از کشاورزان و تضمین امنیت غذایی کشور به شمار می‌ود. طبق قانون، دولت موظف است هر سال پیش از پایان تیرماه نرخ خرید تضمینی محصولات را تعیین و اعلام کند تا کشاورزان بر اساس آن الگوی کشت، تأمین نهاده‌ها و برنامه‌ریزی مالی خود را سامان دهند. با این حال، واقعیت میدانی روایت دیگری دارد، چراکه قیمت خرید تضمینی گندم باید پیش از شروع فصل زراعی اعلام شود اما تاکنون خبری از این تصمیم نیست. این تأخیر برنامه‌ریزی کشاورزان را مختل می‌کند و به معیشت خانوارهای روستایی، انگیزه تولید و حتی امنیت غذایی کشور ضربه می‌زند. کشاورزان می‌پرسند چرا قانونی که صراحت دارد، هر سال ناپدید گرفته می‌شود؟ چرا باید امنیت غذایی ملت‌بی به تأخیر در یک تصمیم گره بخورد؟

■ ■ ■

خرید تضمینی در کشاورزی فراتر از ابزار حمایتی ساده، ستون فقرات امنیت غذایی کشور مان محسوب می‌شود. محصولی مانند گندم، ضمن آنکه قوت غالب مردم است، در ادبیات اقتصادی نیز به‌عنوان کالایی «راهبردی» تعریف می‌شود. گندم با نان و باقوا آرامش اجتماعی پیوند خورده است. هرگونه اختلال در تولید یا قیمت‌گذاری این محصول، صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست و می‌تواند به چالشی ملی و اجتماعی تبدیل شود.

بر اساس قانون، دولت موظف است قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی را به گونه‌ای تعیین کند که هزینه‌های تولید کشاورز را پوشش دهد و سود معقولی نیز برای او به همراه داشته باشد. هدف این قانون حمایت از کشاورزان، جلوگیری از رها شدن زمین‌های زراعی و حرکت در مسیر خودکفایی غذایی است، اما آنچه روی کاغذ نوشته شده در عمل با چالش‌هایی جدی مواجه است. هر سال، قیمت تضمینی با تأخیر اعلام می‌شود و کشاورزانی که باید پیش از شروع فصل کاشت تصمیم بگیرند چه بکارند، عملاً در شرایط بلاتکلیفی باقی می‌مانند.

در سال ۱۳۹۹، مجلس شورای اسلامی قانونی تصویب کرد که به

“

خرید تضمینی برای کشاورزان سنگ‌بنای امنیت غذایی و ضامن بقای تولید ملی است. وقتی اعلام قیمت‌ها ماه‌ها به تعویق می‌افتد، کشاورزان بدون نقشه وارد زمین می‌شوند و هزینه‌ها بیشان را بر پایه حدس و گمان خرج می‌کنند؛ این یعنی تضعیف تولید داخلی و تقویت وابستگی به واردات

برای کشت، کاهش تولید داخلی را در پی دارد که مستقیماً امنیت غذایی کشور را تهدید می‌کند. در شرایطی که بحران‌های جهانی بازار غذا را ناپایدار کرده‌اند، وابستگی به واردات می‌تواند کشور را در موقعیت‌های حساس، آسیب‌پذیر کند. از سوی دیگر، کشاورزی که حاصل یک‌سال تلاشش سودآور نباشد، دلیلی برای ماندن در روستا ندارد. همین امر، موج مهاجرت به شهرها، گسترش حاشیه‌نشینی و افزایش نارضایتی اجتماعی را در پی خواهد داشت.

برای عبور از این چرخه بحران، راهکارهایی روشن وجود دارد. نخست، دولت باید به قانون پایبند باشد و نرخ خرید تضمینی را در موعد مقرر، یعنی پیش از پایان تیرماه، اعلام کند. این اقدام باید به یک اصل خدشه‌ناپذیر بدل شود. دوم، فرایند تعیین قیمت باید شفاف باشد؛ با مشارکت واقعی تشکل‌های کشاورزی و بر پایه داده‌های واقعی از هزینه‌های تولید. اگر دولت با محدودیت منابع مالی مواجه است، می‌تواند بخشی از حمایت‌ها را از طریق یارانه‌های نهاده، بیمه کشاورزی یا تسهیلات ارزان قیمت ارائه دهد. در نهایت باید پذیرفت حمایت از کشاورز، یک هزینه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری در امنیت، ثبات اجتماعی و آینده کشور است. کشاورزی که قوت مردم را تأمین می‌کند، شایسته احترام به قانون و وعده‌های عملی است. اجرای قانون خرید تضمینی، نه فقط مطالبه گندم‌کاران، بلکه خواسته هر جامعه‌ای است که امنیت غذایی‌اش را جدی می‌گیرد.